

۵۴

روایت بانوی کارآفرین محله ثامن
که برای ۵۰ نفر کارآفرینی کرده است

یک کارگاه خانگی وهزار امید

عکس: فیهمه فرخی/شهرآرا

مجتبی غلامزاده بیش از ۴۰ سال خادم و مداح
افتخاری مسجدالرضا(ع) بوده است

خدمت شبانه روزی در خانه خدا

۶



گلایه اهالی محله ثامن و گلشهری ها
از تأخیر و شلوغی اتوبوس های خط ۵۱
مسافران همیشه ایستاده

۲

روز دانش آموز در مدرسه «شکوفه های انقلاب»
پورسینا با اهدای هدیه و لبخند سپری شد
روز پرشور شکوفه ها

۷



دخترانه بهمن در پیچ تلگرد است و یک ساعت طول می کشد تا دخترم با اتوبوس به اینجا برسد. بارها گفته که اتوبوس می آید، اما برای سوار شدن یک نفر هم جا ندارد. کاش حداقل در ساعات باز شدن و تعطیلی مدارس، تعداد اتوبوس ها را موقتاً بیشتر کنند. دو خانم دیگر هم گلایه های متفاوتی دارند. اولی از خراب شدن مکرر اتوبوس های این خط می گوید و دومی از برخورد نامناسب راننده ای که برای پرداخت کرایه داد و بیداد کرده است. این شهروندان البته علت این اتفاق را شلوغی و تراکم این خط می دانند.

● برنامه سازمان اتوبوس رانی برای خط ۵۱

طبق اعلام مدیر روابط عمومی سازمان اتوبوس رانی مشهد، خط ۵۱ اکنون با هفت دستگاه اتوبوس فعال و سرفاصله زمانی حدود پانزده دقیقه در حال سرویس دهی است.

به گفته عباس اتحادی، تعداد جابه جایی روزانه هر اتوبوس در این خط به طور متوسط ۴۵۵ مسافر است که برای یک دستگاه آمار مطلوبی محسوب می شود.

اتحادی تأکید دارد که در ساعات اوج تردد دانش آموزان، ناوگان این خط افزایش ظرفیت خواهد داشت.

او توضیح می دهد که امکان افزودن اتوبوس جدید به خط در حال حاضر وجود ندارد، اما با ورود ناوگان تازه نفس به شبکه اتوبوس رانی شهر، اتوبوس های خط ۵۱ نیز با دستگاه هایی با عمر کاری کمتر، جایگزین می شوند.

این مسئول همچنین اعلام می کند که شهروندان در صورت مشاهده هرگونه رفتار نامناسب از سوی رانندگان، می توانند شماره خط و کد اتوبوس را به واحد بازرسی سازمان اتوبوس رانی به شماره ۱۳۱۲۹۸۹۲۱ اطلاع دهند تا پیگیری های لازم انجام شود.

● تقاضای زیاد و اتوبوس های کم

شهروندان اسلامی که درباره تأخیر اتوبوس از سی تا چهار دقیقه اعتراض دارد، می گوید: من از اینجا سوار می شوم و خودم را به نزدیک خیابان خسروی می رسانم. گاهی هم در سی متری طلاب و میرزا کوچک خان کار دارم؛ ولی هر موقع قرار بر استفاده از این خط اتوبوس است، باید یک ساعت زودتر راه بیفتم؛ چون معلوم نیست سر ساعت برسیم. یانه. گاهی حتی برای سوار شدن حدود چهار دقیقه انتظار می کشم. بالینکه از ابتدای خط، تنها دو ایستگاه قبل از اینجا وجود دارد. به نظر او تأخیر جای خود، اما این اتوبوس ها همیشه شلوغ هستند. او ادامه می دهد: معمولاً این اتوبوس از پایانه مفتاح شرقی که راه می افتد در دومین ایستگاه کاملاً پر می شود. این نشان می دهد که تقاضای زیاد است و اتوبوس ها کم.

مریم کمالی، مسافر بعدی این خط، درباره مشکلات اتوبوس در مسیر برگشت می گوید: مسیر رفت قابل تحمل است، اما در برگشت معمولاً اتوبوس کاملاً پر می شود. همین مسئله باعث شلوغی و تأخیر بیشتر می شود. مسیر این خط خیلی طولانی و پرپیچ و خم است. ایستگاه های متعدد و تقاطع و چراغ های راهنمایی بسیار که همگی باعث کندی حرکت اتوبوس هستند. به نظر من این خط نیازمند افزایش تعداد اتوبوس هاست.

● شلوغی مضاعف در ساعات مدرسه

زهره اقدسی هم دو فرزند دانش آموز دارد که برای رفت و برگشت به مدرسه از این خط اتوبوس استفاده می کنند. او می گوید: پسر من صبح ساعت ۶:۳۰ به سمت ایستگاه می آید و ظهر ساعت ۱۲ تعطیل می شود؛ اما زودتر از ساعت ۱۳ نمی رسد، بالینکه مدرسه تا اینجا فقط چند ایستگاه فاصله دارد.

اکرم پورکریم هم در ادامه صحبت های دیگران می گوید: دبستان

گلایه اهالی محله ثامن و گلشهری ها از تأخیر و شلوغی اتوبوس های خط ۵۱

مسافران همیشه ایستاده

عطائی | جمعیت زیادی در ایستگاه ابتدای بولوار شهید آوینی انتظار آمدن اتوبوس را می کشند. هر کدام مقصدی دارند، از پیچ تلگرد تا مفتاح غربی، میدان عسکریه، بولوار ابوریحان و مجلسی، راه آهن و میدان شهدا. همگی مسافران منتظر خط ۵۱ اتوبوس رانی هستند. خط اتوبوسی که از ایستگاه مفتاح شرقی محله ثامن حرکت می کند و پس از مسیری طولانی و پرپیچ و خم به پایانه شهید هاشمی نژاد در میدان شهدا می رسد. گلایه ها اما کم نیست. گویا این اتوبوس معمولاً شلوغ است و در ساعات رفت و آمد دانش آموزان گلشهری، شلوغ تر هم می شود. یکی از خرابی مکرر اتوبوس های این خط می گوید و دیگری از برخورد نامناسب راننده.

هم قدم



اولویت درخواست ها، پیاده روی و ترسیم جوی و جدول

عطائی | مرکز ارتباط مردمی ۱۳۷ شرايطی فراهم کرده است که هریک از شهرداران مناطق سیزده گانه مشهد، یک روز در ماه را پای تلفن بنشینند و مستقیماً به خواسته های اهالی پاسخ دهند. در همین راستا، این ماه حسن صالحی مفرد، شهردار منطقه ۵، روز پنجم آبان، پاسخگوی پرسش ها و دغدغه های شهروندان بود.

شهرآرام محله پیگیری می کند

شهرآرام محله موارد درخواستی شهروندان محله مهرآباد درباره وضعیت پیاده روی و جوی معابر محله را پیگیری می کند.

تماس های متفرقه

در این بخش ۵ درخواست ثبت شد که عقب نشینی ملک واقع در مرز منطقه ۴ در انتهای خیابان شهید آوینی، درخواست اختصاص زمین برای کاربری فرهنگی و بوستان در محله حسین آباد، ممانعت از ورود موتورسواران به بوستان امت از آن جمله بود.

تماس های مربوط به حوزه ترافیک

۲ تماس این بخش، درباره درخواست نصب تابلو حق تقدم در تقاطع ابتدایی خیابان وحدت ۱۴ و درخواست نصب تابلو یک طرفه برای خیابان وحدت ۱۶ بود.

درخواست ها در حوزه عمران و شهرسازی

در این بخش ۵ تماس از شهروندان دریافت شد که شامل درخواست پیاده روی سازی ابتدای خیابان مهر و ابتدای کوچه مهر ۷، ترمیم پیاده روی خاکی بین خیابان شهید فرزین ۷ و ۹ و درخواست ترمیم جدول و جوی خیابان مهرآباد ۲۴ بود.

تماس های مربوط به آسفالت و لکه گیری

در این برنامه، ۳ تن از شهروندان از خیابان های شهید آوینی ۱۳، ۱۳.۵ و ۴۹ درخواست روکش و ترمیم آسفالت را داشتند.

تعداد پیام های مردمی

۱۸ تماس

محلات پرتماس

مهرآباد و رضائییه

تماس های مربوط به نظافت معابر

۲ تماس در این حوزه مربوط به درخواست شست و شو و نظافت سطوح گالوانیزه ابتدای شهید یعقوبی ۴۳ و نصب سطل گالوانیزه در ابتدای خیابان وحدت ۲ بود.

تماس های مربوط به مشاغل مزاحم و آلاینده

یکی از شهروندان درخواست رسیدگی به مشاغل مزاحم و وضعیت انبار ضایعات معبر شهید یعقوبی ۳۰.۱۱ را داشت.

۱۳۷

همسایه به همسایه، دیدار بیست و هشتم، کوچه شهید دهنوی ۱۶

از احوالپرسی های ساده تا دوستی های عمیق

نیکو عقیده! اگر سراغ بانوان کوچه شهید دهنوی ۱۶ را بگیری، ردشان را می توانی در مسجدائمه اطهار^(ع) پیدا کنی. جایی که نه فقط محل عبادت، بلکه بستری است برای کنار هم بودن، دوستی، یادگیری و ساختن محله ای بهتر. برگزاری نماز جماعت در این مسجد فرصتی به وجود آورده است که بانوان هر روز یکدیگر را ببینند و احوالپرسی هم باشند. در مناسبت های مذهبی هرکسی گوشه ای از کار را می گیرد تا مراسم به بهترین شکل برگزار شود؛ علاوه بر این عده ای هم پایگاه بسیج تشکیل داده اند و به این واسطه ارتباط بیشتری با هم دارند.

● از خواهر نزدیک تر

سمیرا از یکی از بانوان فعال مسجدی است که همه محل، اوره واسطه فعالیت هایش می شناسند. بیست سال پیش که بعد از دواج پایه این محل گذاشت، فکرش را هم نمی کرد که چنین ارتباط خوبی با همسایه ها برقرار کند؛ پنج سال اول سکونت در این محله، خودم را در خانه حبس کرده بودم و تصور اشتباهی از این کوچه و محله داشتم اما کم کم با شرکت در روضه های خانگی و برنامه های مسجدی تصورم تغییر کرد. «او حالا خودش فرمانده پایگاه بسیج خواهران این مسجد است. با بانوان محله ارتباط خوبی دارد و به خانه های یکدیگر رفت و آمد دارند» حالا ارتباطمان به فعالیت های پایگاه محدود نمی شود. مثل یک خانواده هوای هم را داریم و از خواهر به هم نزدیک تریم. «او یکی از دوستان نزدیکش رازهراسادات حسینی می داند؛ کسی که همان سال های اول دست سمیرا را گرفته و به مسجد آورده است. به گفته اوزهراباروی خوش، شوخ طبعی و ارتباط گیری قوی اش، نقش پررنگی در پیوند دوستی همسایه ها ایفا کرده است.

● پای ارتباطی همسایه ها

همه همسایه های زهراسادات حسینی، او را به مهارت ارتباطی قوی و شوخ طبعی اش می شناسند. با او راحت هستند و حرف هایشان را می زنند. به قول خودش او محرم اسرار همسایه هاست و پای درد دل همه می نشیند. مهارتش در ارتباط گیری حالا باعث شده است که در این مسجد، مربی حلقه صالحین نوجوانان هم باشد. جزو محدود افرادی است که در این محدوده توانسته است با نوجوانان هم ارتباط خوبی بگیرد. بچه ها دوستش دارند و سفره دلشان را پیش او باز می کنند؛ «کار با نوجوان ها را دوست دارم. آن ها نسل آینده این کوچه و محله هستند. مادر کوچه و محله فقط نباید به ارتباط گیری با هم سن و سالان خود مان بسته کنیم و باید نوجوانان را هم در نظر بگیریم.»

یکی از دوستان نزدیک او ناهید نمایان است که تازه سال ۹۲ ساکن این کوچه شده اما حالا مثل یک دوست و همسایه قدیمی خودش را در دل اهالی جا کرده است!

● پای ثابت فعالیت ها

همسایه ها ناهید نمایان را که یک دهه هفتادی است، به دلسوزی و پای کار بودنش می شناسند؛ اینکه در مناسبت های مذهبی و برنامه ها اولین نفری است که خودش را به مسجد می رساند و هرکاری هم از دستش برمی آید، انجام می دهد. اما او از همان ابتدا این قدر پای کار نبوده است. ناهید درباره دوسال اولیه سکونتش در این کوچه می گوید: تازه از شمال با همسر به این محله آمده بودیم. از خانواده ام دور شده بودم و اینجا کسی را نمی شناختم. اما موقع نماز کم کم با همان سلام و احوالپرسی های ساده ارتباط بیشتری با همسایه ها برقرار کردم و فهمیدم همسایه های اینجا چقدر مهربان و همدل هستند.

زهرخانم اولین دوست او در این محله محسوب می شود؛ کسی که باعث شده به قول خودش یخ او با همسایه ها باز شود! حالا آن ها به خانه یکدیگر رفت و آمد می کنند و مثل یک خانواده هوای هم را دارند.



همسایه به همسایه



اردوی جهادی پزشکی در محله کشاورز برگزار شد

مرهمی برای التیام دردها

عطائی اردوی جهادی پزشکی و درمانی با همکاری فعالان مسجدی و گروه جهادی بیمارستان ولایت در محله کشاورز برگزار شد.

پنجشنبه گذشته، چهار مسجد این محله شامل مساجد دوازده امام^(ع)، ائمه اطهار^(ع)، جواد الائمه^(ع) و امام جعفر صادق^(ع) برای سومین سال متوالی از تیم پزشکان و پرستاران جهادی دعوت کردند تا به رایگان به مردم کم برخوردار خدمات درمانی ارائه دهند.

این برنامه پنجشنبه گذشته و با همراهی بهزیستی و

کانون بسیج بیمارستان ولایت اجرا شد.

در این اردو، خدماتی مانند ویزیت پزشک عمومی و پزشکان متخصص در زمینه های قلب، طب اورژانس، اطفال، تغذیه و همچنین خدمات ماما بی ارائه شد. در بخش خدمات پرستاری نیز تزریقات، پانسمان و سرم تراپی انجام گرفت. در پایان، داروهای مورد نیاز بیماران نیز به رایگان در اختیار آنان قرار گرفت. در مجموع بیش از پانصد نفر از اهالی محله از این خدمات بهره مند شدند.



روز متفاوت دانش آموزان در مسجد

به مناسبت روز دانش آموز و سالروز حماسه ۱۳ آبان، مراسم گرامیداشتی در مسجد جامع حضرت فاطمه الزهرا^(س) برگزار شد.

این برنامه با همکاری معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه ۶ و مدرسه شهید اشرفی اصفهانی و با حضور دانش آموزان و فرهنگیان این مدرسه برپا شد.

دوره آموزشی «مقابله با بحران»

یک دوره آموزش همگانی با محوریت «مدیریت مقابله با بحران» در مسجد جواد الائمه^(ع) واقع در خیابان بسیج ۳۰، کوی عمار یاسر برگزار شد. جمعی از اهالی محله آقامصطفی خمینی و علاقه مندان به موضوع پدافند غیر عامل و مدیریت بحران در این برنامه حضور داشتند.

نظم ترافیکی در ۱۷ شهریور

عملیات خط کشی محوری در بولوار هفده شهریور شمالی، حد فاصل میدان هفده شهریور تا میدان شهدای مسجد گوهرشاد، توسط شهرداری منطقه ۱۶ اجرا شد. این طرح با طول ۲ هزار و ۴۰۰ متر مربع با هدف افزایش ایمنی ترافیکی، نظم بخشی به عبور و مرور وسایل نقلیه و ارتقای کیفیت معابر شهری انجام گرفت.



شهر خبر



روایت بانوی کارآفرین محله ثامن
که برای ۵۰ نفر کارآفرینی کرده است

یک کارگاه خانگی و هزار امید



داستان جلد



مریم دهقان اسی سال از عمر خانه و زندگی اش در محله ثامن می‌گذرد و تقریباً همه ساکنان قدیمی، او را می‌شناسند. از همان ابتدا جزو بانوان فعال بود که سختی زمانه او را وادار کرد به سراغ راه اندازی شغلی برود و انتخاب اولش آرایشگری بود؛ سی سال تمام، سالن آرایش و زیبایی داشت تا اینکه کرونا از راه رسید و ورق زندگی اش برگشت و او را در مسیر کارآفرینی انداخت. عفت داوودی که هم معتمد محله است و هم به واسطه هنر خیاطی، کارگاه دوخت شال و روسری راه اندازی کرده، چند سالی است حال و هوای تعداد زیادی از زنان محله را رنگ بهتری بخشیده و نزدیک به پنجاه نفر به صورت مستقیم و غیرمستقیم براهایش کار می‌کنند و از کنار این شغل، درآمدشان را به زخم زندگی شان می‌زنند.

یک کارگاه ساده و صمیمی

وارد کوچه شهید آرمون می‌شویم و زنگ یکی از خانه‌ها را می‌زنیم. راهرو کوچکی وارد می‌کنیم. قبل از آنکه وارد فضای اصلی شویم اتاق کوچکی سمت چپمان قرار دارد که کوله باری از پارچه، منگوله‌های تزئینی و نوارهای جورواجور و یک چرخ سردوز در آن دیده می‌شود؛ بعد از گفت و گو متوجه می‌شویم این‌ها بار اولیه و خامی است که برای سرهم کردن یک روسری یا شال، اینجا انبار شده است. کارگاه خیاطی داوودی مثل آدم هایش ساده و صمیمی است و در همان برخورد اول، این را از سلام و علیکی که با خودش و همکارانش داشتیم، متوجه شدیم.

۱۰ چرخ خیاطی صنعتی دور تادور یک اتاق حدود پنجاه متری چیده شده و پشت هر کدام از آن‌ها، خانم‌های محله که همکار عفت خانم هستند، نشسته‌اند و مشغول دوردوزی روسری و شال‌هایی هستند که قرار است بعد از دوخت، بسته بندی و به صاحبکار اصلی تحویل داده شود. ماکه وارد می‌شویم، برای لحظه‌ای صدای ویراژ چرخ‌ها که روی آخرین درجه سرعت

قرار دارند، خاموش می‌شود؛ اما زمان کوتاهی نمی‌گذرد که باز مشغول کار می‌شوند؛ زیرا به گفته خودشان، این شغل را دوست دارند و نمی‌توانند بیکار بنشینند. حتی بایکدیگر که می‌خواهند صحبت کنند، این صدا خاموش نمی‌شود و به قول مرضیه خانم که قدیمی‌ترین شاگرد این کارگاه است، «عادت کرده‌اند و وقت‌هایی هم که در خانه و دور از کار هستند، انگار چیزی کم دارند».

قدم اول، دوخت ماسک در کرونا

به سراغ عفت داوودی می‌رویم که ۵۲ سال از عمرش گذشته است و گوش به حرف هایش می‌سپاریم؛ «سی سال است ساکن محله ثامن هستم و سی سال در همین محله سالن آرایش داشتم. درآمدش خیلی خوب بود و مخارج زندگی به راحتی تأمین می‌شد. البته کنار کار آرایشگری، چرخ خیاطی هم داشتم و وقت‌هایی که مشتری نبود، برای دیگران، سری دوزی انجام می‌دادم تا اینکه کرونا شروع شد و مجبور

شدم سالنم را جمع کنم.» کرونا برای همه و عفت خانم سخت گذشت و همسرش به واسطه بیماری کرونا و سابقه آمبولی که داشت، سال ۱۴۰۱ فوت کرد و او در این مدت، رنج بسیاری را تحمل کرد. این رنج آن قدر زیاد بوده است که اکنون در گفت و گو کمی وقفه می‌اندازیم تا اشک و بغض عفت خانم تمام شود و تسکین پیدا کند. سوژه ماکه یک بانوی کارآفرین و خنده روست، نم گوشه چشمش را پاک می‌کند و ادامه می‌دهد: شرایط مالی بدی را می‌گذرانیم. از یک طرف همسر در بیمارستان بستری بود؛ از طرف دیگر، خرج زندگی امانت را بریده بود. تقریباً همه اهالی محل وضعیت مرا می‌دانستند تا اینکه به واسطه دختر خواهرم با چند خیر آشنا شدم که گفتند پارچه می‌دهند تا من برایشان ماسک بدوزم؛ آن زمان دو چرخ خیاطی صنعتی در منزل داشتم. قیمت دوخت هر ماسک ۵۰۰ تومان بود ولی عفت خانم با وجود شرایط سختی که داشت، گفته بود برای شریک شدن در کار خیر، حاضر است ۲۵۰ تومان بگیرد. در همان ایام، به کمک بیست شاگردی که داشت، روزانه ۲ هزار ماسک می‌دوختند و روزگار خود را سپری می‌کردند تا اینکه دوران دوخت ماسک هم گذشت.





منزل شخصی، نخستین کارگاه خیاطی

از عفت خانم می پرسیم: وقتی کرونا تمام شد، چرا دوباره سالنت را که درآمدش هم خوب بود، راه نینداختی؟ پاسخی که می دهد، فقط از روحیه یک کارآفرین ناشی می شود: «شغل خیاطی را دوست داشتیم؛ از طرفی دلم می خواست کاری راه بیندازم که دیگران هم از آن سود ببرند و کنارم بتوانند کار کنند. در حالی که در آرایشگری فقط خودم بودم و خودم. حس اینکه بتوانم کاری برای دیگران انجام دهم را دوست داشتم.»

بعد از آنکه همسر عفت خانم فوت کرد، او در به در دنبال وام اشتغال زایی کمیته امداد امام خمینی (ره) می رود، کارگاه فعلی اش هم که مالک آن است و در آن کار می کند، به رهن می دهد تا بتواند با آن ها، پنج چرخ صنعتی، یک اتوی مخصوص و سردوز دیگر بگیرد و در منزل خودش، نخستین کارگاه کوچکش را راه بیندازد و از همان زمان، کارگاه تولیدی دوخت روسری و شال را راه اندازی می کند.

رونق کار و کارگاه با ه کارگر

دو سال بعد از راه اندازی نخستین کارگاه و تجربه کاری متفاوت عفت خانم، اومی تواند قرض های مربوط به بستری و بیماری همسر و راه اندازی کارگاه کوچک خانگی اش را پس بدهد. بعد تصمیم می گیرد محیط کار را از منزل جدا کند، همان واحدی را که اجاره داده بود، پس بگیرد و کار را در آن ادامه و توسعه بدهد: «با خانمی که خودش هم اینجا کارگاه تولیدی داشت، صحبت کردم تا این واحد را تخلیه کند. بعد از آن، هم نیروی بیشتری گرفتم و هم تعداد چرخ هایم با سودی که به دست آوردم، بیشتر شد.»

حالا عفت خانم نزدیک به یک سال است در کارگاه تولیدی خودش، با پانزده کارگر خانم به صورت مستقیم، ۱۰ راسه دوز و ۵ سردوز، از ساعت ۸ صبح تا ۸ شب، پارچه های برش زده شال و روسری را در گام نخست آماده می کند و در گام بعدی، سی نفر به صورت غیرمستقیم و در منزل، منگوله هایی را آماده می کنند که قرار است در این شال و روسری ها به عنوان تزئین استفاده شود. پانزده نفر دیگر نیز در بخش بسته بندی و سلفون کشی محصول نهایی مشغول به کار هستند تا به دست کارفرما برسد. در مجموع، روزانه ۲ هزار و ۵۰۰ روسری آماده تحویل می شود.

من هم مثل نیروهایم

وقتی از عفت خانم می پرسیم خودش را با این وضعیت، کارآفرین می داند یا نه، بعد از کمی مکث می گوید: «بله دیگر! این ها کار می کنند و من می گویم آفرین؛ می شوم کارآفرین دیگر!» همکارانش متوجه این جمله می شوند و یک صدا می خندند و بعد دوباره شوخی هایشان ادامه پیدا می کند. عفت خانم می گوید: من هیچ وقت خودم را بالاتر از نیروهایم ندانسته ام. چون من هم روزی مانند آن ها از کارگری صفر شروع کردم و هیچ کدامان بهتر از دیگری نیست.

شاید به همین دلیل است که ادامه می دهد: «اینجا همه از دل و جان کار می کنند و سعی می کنند کارشان را به موقع و تمیز تحویل بدهند. وجدان کاری اینجا پررنگ است و به نظرم از هر چیزی مهم تر است.» رابطه عفت خانم با نیروهایش کاملاً دوستانه است و حتی وقتی می خواهد ایراد کاریک تازه کار را بگیرد، برخورد مهربانی دارد: «من پایه پای بچه ها کار می کنم. اگر بخواهم نکته ای هم بگویم اول تمام کار را می بینم. قسمت های خویش را تعریف می کنم و بعد ایراد کار را می گیرم. همیشه سعی کرده ام کسی را ناراحت نکنم.»

فضای کاری امن و دوست داشتنی

مرضیه هاشمی، با داشتن سه فرزند، قدیمی ترین نیروی کارگاه و همسایه روبه روی خانم داوودی است. هم سردوزی بلد است و هم خیاطی می کند. از سه سال پیش که کارش را در کارگاه خانگی عفت خانم شروع کرده است تا الان، فقط یک چیز می گوید: اینجا به من خوش می گذرد. محیط کارگاه را دوست دارم. هر صبح که از خواب بیدار می شوم سریع ناهارم را آماده می کنم تا کارم را اینجا شروع کنم.

آسیه شیردل از دیگر خیاط های قدیمی این کارگاه است و دو فرزند دارد. او هم کار در این فضا را دوست دارد و می گوید: همان روز اول که برای کار به عفت خانم معرفی شدم و کارم را دید، قبول کرد که از فردا شروع کنم. برخوردش خیلی ساده و صمیمانه بود. هنوز هم همین طور است. ماهیچ وقت بین خودمان دعوا نداشته ایم.

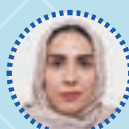
برای آسیه خانم که باید هم به کارهای خانه و فرزندان برسد و هم به دلیل تورم و شرایط اقتصادی، به خرج خانه کمک کند، نزدیک بودن محل کار بیش از همه مهم است. پسر آسیه خانم هم که دوازده ساله است، حدود یک ماهی است وقتی درس و مدرسه اش تمام می شود در این کارگاه سردوز می زند و به ازای آن دستمزد می گیرد.

مینا داوودی هم از دیگر بانوان شاغل در این کارگاه است که پیش از این، ۱۰ سال در منزل کار می کرد و بعد از آنکه کارگاه تولیدی راه اندازی شد، چرخ شخصی اش را به اینجا منتقل کرد تا در این جمع دوستانه قرار گیرد. اومی گوید: اینجا همه مثل خواهر هستیم و با جان و دل کار می کنیم. کنار هم لحظات خوبی داریم و گاهی همسایه ها به ما سر می زنند. اگر خوراکی درست کنند برای ما هم می آورند مثل حلوا، کاجی، نان روغنی، شیرینی و....

معتدو امین محله

عفت خانم بعد از سی سال زندگی در محله ثامن، دیگر فقط یک بانوی کارآفرین نیست. او در میان اهالی محله، به یک مامن هم تبدیل شده است. اگر کسی مشکلی داشته باشد یا کمکی بخواهد به او می گوید: «بارها شده است برای تأمین جهیزیه یا سیسمونی یا کمک خرج ازدواج به من گفته اند: من هم به اهالی محله در گروه های مجازی ای که داریم یا حضوری اعلام می کنم.» این کمک ها اگرچه به قول عفت خانم کم است اما برکت دارد: «اینجا هرکس به اندازه خودش کمک می کند که در کار خیر سهیم شود. حتی یکی از شاگردانم با اینکه تازه آمده بود، وقتی متوجه ما جراح شد، گفت دستمزد روز اولش را برای کار خیر کنار می گذارد.»

کارهای خیرخواهانه عفت خانم فقط به همین مورد ختم نمی شود. او نزدیک به ۱۰ سال است وام های خانگی متعددی با مشارکت دوستانه نغز از اهالی محله راه اندازی کرده است که توانسته گره های زیادی باز کند. او بعد از مرگ همسرش هم نذر جالبی به راه انداخته است که با کمک اهالی محله، آن را اجرا می کند: «ما هر سال در سالگرد فوت شوهرم غذا درست می کنیم و به کارتن خواب های دهیم. امسال علاوه بر غذایی که خودم تهیه کردم، تعدادی خیر هم مقداری گوشت بسته بندی کردند و با ما همراه شدند.»



عفت خانم
می گوید:
خانم ها کار
می کنند و من
می گویم آفرین؛
می شود
کار آفرین



مجتبی غلامزاده بیش از ۴۰ سال خادم و مداح افتخاری مسجدالرضا^(ع) بوده است

خدمت شبانه روزی در خانه خدا



راه تجربه



سعیده ساجدی نیا در یک کلام، بزرگ شده مسجد و هیئت جوانانش است و حالا سال هاست که مسجد دیگر خانه دومش نیست؛ از سال ۹۴ که بازنشسته شد، بیشتر وقتش را در همین صحن و سراپسری کرده است. یک عمر است مداحی هر مراسمی را بر عهده دارد و با تمام وجودش، برای اهل بیت^(ع) روضه خوانی کرده و ذکر مصیبت خوانده است. الگوی تربیتی مجتبی غلامزاده از کودکی، مرحوم کاخکی، کلیددار و مسئول اجرایی مسجدالرضا^(ع) در محله کارمندان اول بوده است که تا روز آخر عمرش از هیچ خدمتی برای مسجد و مسجدی هادریغ نکرد و مرام و منشش یک نسل را برای بعد از خودش تربیت کرد. آقامجتبی می گوید: آن قدر وقتش را به کارهای مسجد اختصاص داده بود که گاهی مسجدی ها تکرانش می شدند و از اومی خواستند کمی به خودش استراحت دهد اما گوشش بدهکار این حرف ها نبود و همیشه می گفت: آن قدر بخوابم که حسایش از کف برود و غبطه این روزها را بخوریم!

زمانی که پای دیگ های نذری کنار دست حاج حسین زابلی نژاد می ایستادیم، آشپزی یاد گرفتیم. هیچ وقت ذوقمان را کور نکرد و از پوست کندن پیاز و سیب زمینی تا اضافه کردن ادویه غذا، به مانقش می داد. حالا هر بار مشغول پخت و پز می شویم، برایش آرزوی سلامتی و طول عمر می کنیم.

آقامجتبی، دلسوز پرو پاقرص مسجد است

عباس جاویدی از قدیمی های محله و یکی از پیشکسوت های مسجدالرضاست. او از سال ۱۳۷۰، مسئول هیئت جوانان مسجدالرضا^(ع) بوده و سال هاست آشپزی برنامه های مناسبتی مسجد را با کمک آقامجتبی و یکی از پسرانش بر عهده دارد.



عباس آقامی گوید: یکی از افراد دلسوز مسجدی تردید آقامجتبی غلامزاده است. کاری نیست که بخوایم برای توسعه و برنامه های فرهنگی مسجد انجام دهیم و آقامجتبی پیش قدم و همراه پرو پاقرص نباشد. دهه پایانی ماه صفر امسال در دشت دید بسک گردن آن قدر به دست و گردن آقامجتبی فشار آورد که چند بار کارش به اورژانس کشیده شد و دکترها تا کید کرده بودند که باید فقط استراحت مطلق داشته باشد تا آن شدت درد کمی رهاش کند اما قلبش راضی نمی شد پای دیگ غذای عزاداران نباشد و تا لحظه آخر پای کار بود.

از عباس آقامی پرسیم: چه حسی موجب شده است آقامجتبی با وجود این عارضه و تحمل درد، همچنان خادم مسجد و مسجدی ها باشد و از هیچ خدمتی دریغ نکند؟

در پاسخ می گوید: در یک کلام، عشق به اهل بیت^(ع) و امام حسین^(ع). عباس آقا ادامه می دهد: او برای به نتیجه رساندن موضوعات مسجد، آدم پیگیری بوده و بی منت کار کرده است. در بتایی اخیری که در صحن مسجد صورت گرفت، دست کم یک سال پای کار بود و نقش مهمی در جمع و جور کردن این پروژه داشت، طوری که اگر تلاش و همت او نبود، اسکان زائران در این مسجد در روزهای پایانی ماه صفر، ممکن نبود.



کارمندان اول شد و با ایده های همدلانه، مسجدالرضا^(ع) را به یکی از مراکز گره گشایی و صلح و سازش تبدیل کرد. ایشان گوش شنوای نه تنها اهل محل بودند، بلکه از این طرف و آن طرف هم برای بیان اختلافاتشان به مسجدالرضا^(ع) می آمدند. قدرت جذب کنندگی شان موجب شد که پای همه نسل ها به مسجد باز شود و این برو بیابا ادامه دار باشد.

به بچه ها بهای می دادند

مجتبی غلامزاده، یادگیری اصول مداحی را از اوایل دهه ۷۰ در جلسات انصار الزهرا^(ع) حوالی بازار رضا^(ع) شروع کرده است. این دوره می ها زیر نظر حاج علی ملانکه و حاج جعفر آقاسی زاده برگزار می شد. می گوید: هم زمان آقای سپهر و کاخکی هم جلسات مداحی را در مسجدالرضا^(ع) راه انداختند. به دلیل علاقه ای که داشتم، در هر دو محفل شرکت و از همان زمان در زیارت عاشورا یا روضه های مسجد مداحی می کردم.

دوباره یاد مرام حاجی کاخکی می افتد و می گوید: تادلتان بخو اهدان خدا یا مرز به بچه ها بهای می داد و به بهانه مکبری یا خواندن زیارت عاشورا و دعای توسل، تربیون را به کم سن و سال ترهای داد و به فکر تربیت خادمان بعدی مسجد بود.

قدیم ترها که مردم اعتقادات پر رنگ تری داشتند و وضعیت اقتصادی هم این اندازه سخت نبود. در این مسجد، جشن و مراسم عزاداری برگزار می شد. ویژه ترین جشن، نیمه شعبان و ولادت امام زمان^(عج) بود. در شهادت امام رضا^(ع) هم بعد از عزاداری روز آخر ماه صفر، بیش از ۱۵۰۰ پرس غذا بین حاضران توزیع می شد. بانی آن از قدیمی های محله بود و مرحوم کاخکی برنامه ریزی و اجرای آن را انجام می داد.

به میدان آوردن نسل Z

حالا چند سالی است که آقامجتبی مسئول اجرایی و عضو هیئت امنای مسجدالرضا^(ع) است و تلاش کرده همان الگویی را که از کودکی و خاطرات خوب مرحوم کاخکی در ذهنش مانده است، در میان نسل Z اجرایی کند. او به همراه قدیمی ترهای مسجد، از هر فرصتی برای جذب و ترغیب کودکان و نوجوانان استفاده می کنند تا شور و اشتیاق را برای به میدان آمدن در بچه ها زنده کنند.

می گوید: در دوره زمانه فعلی، انجام کار فرهنگی به مراتب سخت تر است. هیچ چیز مانع گذشته نیست و دیگر به راحتی نمی توان نسل جدید را با همان آموزه های قبلی جذب کرد. من و هم نسلانم

خادم دلسوز

آقامجتبی پنج دهه پر برکت از زندگی اش را پشت سر گذاشته و از اینکه در میان مسجدی های کاربلد رشد کرده، خدا را شکر می کند. او سال هاست مداح افتخاری برنامه های مختلف در مسجدالرضا^(ع) بوده؛ در لباس آشپز و کمک آشپز مراسم نیز ایفای نقش کرده، در ساخت و سازهای جدید مسجد هر کاری از دستش برآمده دریغ نکرده و در یک کلام، خادم دلسوز مسجدالرضاست.

تعریف می کند که از شش هفت سالگی در جلسات قرآن مسجد حضور داشته است؛ «ماه رمضان که می شد، از اینجا راهی مسجد جواد الائمه^(ع) می شدیم و برنامه قرآن خوانی آنجا که تمام می شد، می رفتیم حرم امام رضا^(ع) و تا وقت سحر آنجا مشغول تلاوت قرآن می شدیم. هر کس به یک سبک خاصی علاقه مند بود و همان را دنبال کرد اما من، دلی می خواندم تا اینکه بعد از شهادت برادرم، عضو بسیج مسجد شدم. آن زمان حاجی کاخکی مسئول بسیج بود.»

حاجی کاخکی دیگر تکرار نشد!

هنوز حاجی کاخکی را خوب به یاد می آورد و برایش «خدا رحمتی» می فرستند. خوب در خاطرش است که حاجی چطور همه وقتش را در همین مسجدالرضا^(ع) و برای امور مختلف مسجد صرف می کرد. یکی دو کوچه پایین تر از مسجد، مغازه خیاطی کت و شلوار دوزی داشت. مغازه اش را که می بست، تنهادر مسجد می شد پیدایش کنی! آقامجتبی می گوید: با اینکه خانه شان سمت قلعه ساختمان بود و از نظر امنیتی، رفت و آمد در ساعات شب خطرناک بود، خدا یا مرز دل نگران هیچ چیز نبود. بسیج مسجد را مدیریت می کرد، ریش و قیچی برگزاری هر برنامه ای در مسجد دستش بود، حتی پای کار روضه هایی که در خانه حاج آقای سپهر برگزار می شد، هم بود. خیریه ای را که در مسجد راه افتاده بود، اداره می کرد و در نذری ها، آشپزی مراسم را انجام می داد.

معتقد است او و امثال او هر خدمتی برای مسجد کنند، به گرد پای حاجی کاخکی هم نمی رسد؛ فعال و خود جوش بود و قدرت مدیریتش به تمام معنا بیست بود.

حاج آقا سپهر، گوش شنوای مسجدالرضا^(ع)

آقامجتبی از حجت الاسلام والمسلمین سید حسن سپهر نیز به عنوان یکی از آدم های اثرگذار محله و مسجدالرضا^(ع) یاد می کند که با روحیه خاصی که داشت، نسل جوان را به مسجد علاقه مند کرد؛ «از سال ۵۵ و ۵۶ حاج آقا به عنوان امام جماعت مسجد ساکن محله

روز دانش آموز در مدرسه «شکوفه های انقلاب» پورسینا متفاوت سپری شد

روز پرشور شکوفه ها



عیدگاه

شده اند. اما امسال بخش متفاوتی هم به این مراسم اضافه شده است. مدرسه قرار است با کمک بسیج محله و خیران ۱۲۰ بسته تحصیلی به دانش آموزان کم بضاعت هدیه بدهد. این بسته ها شامل کیف، جامدادی، لوازم تحریر و... است و هر بسته به مبلغ ۸۰۰ هزار تومان تهیه شده. سید اشرف صنعتی، مدیر مدرسه، در این باره توضیحاتی ارائه می کند: با وجود کمک های معلمان و اهالی و با اینکه یک ماه ونیم از شروع سال تحصیلی گذشته است، هنوز عده ای از بچه ها هستند که لوازم تحصیلی ندارند. خانواده خیلی از بچه ها در این منطقه از نظر اقتصادی شرایط مناسبی ندارند و قادر به پرداخت این هزینه ها نیستند. از این رو ما با خیران ارتباط گرفته ایم و این بسته ها به مدرسه ما اهدا شده اند. او در ادامه درباره لزوم اهدای چنین بسته هایی در این منطقه می گوید: هیچ کودکی نباید از تحصیل باز بماند و همه بچه ها حق علم آموزی و پیشرفت دارند.

محمد حیدر حیدری، یکی از خیران حاضر در این مراسم است که برای اهدای یک ها حضور دارد. او درباره انگیزه تیمشان برای انجام این حرکت می گوید: ما یک شرکت تولیدکننده قهوه هستیم که در ابتدای مسیر حرکتیمان به جای پرداخت هزینه های گزاف برای تبلیغات، تصمیم گرفتیم قدم کوچکی در راستای تحصیل بچه ها برداریم. اجرای این حرکت های کوچک در این سوی شهر، ضروری است.

می کنند. این کار باعث می شود که خاطره ای شیرین از این روز در ذهن بچه ها ثبت شود. مریم مرادی، یکی از دانش آموزان دوره دوم کلاس اوست که جامدادی به دست و با لبخندی بر لب، این موضوع را تأیید می کند: من یک جامدادی صورتی از معلم هدیه گرفتم. پارسال هم مداد و پاک کن گرفتم. آن قدر دوستشان دارم که هنوز ازشان استفاده نکرده ام و یادگاری نگه داشته ام.

● اهدای بسته های تحصیلی

اهدای هدایا تنها بخشی از مراسم است، اجرای سرود، برپا کردن ایستگاه صلواتی در حیاط، بازی و مسابقه و شعر خوانی، دیگر بخش ها هستند و بچه ها حسابی غرق این برنامه ها

نیکو عقیده دانش آموزان از دقایقی قبل به حیاط مدرسه آمده اند و در صف های مرتب ایستاده اند. هیجان برنامه را دارند و شور کودکانه شان فضای مدرسه را پر کرده است. دلیل شوق و اشتیاقشان برنامه ای است که به مناسبت روز دانش آموز توسط مدیر مدرسه و معلم ها ترتیب داده شده است. دبستان شکوفه های انقلاب محله پورسینا هر سال در این روز، برنامه ای ویژه برای دخترها برگزار می کند تا خاطره ای به یادماندنی از این روز در ذهن بچه ها ثبت و انگیزه شان برای تحصیل بیشتر شود. اما امسال این برنامه تفاوت هایی با سال های گذشته دارد.

● یادگاری از معلم ها

معلم ها هر کدام گوشه ای از کار را گرفته اند. یکی سینی به دست از بچه ها پذیرایی می کند و دیگری هدایای تهیه شده را توزیع می کند. زهرا میرنژاد یکی از همین دبیران دلسوز و پای کار است که سه سال پیش به این مدرسه پا گذاشته و حالا حاضر نیست در مدرسه دیگری تدریس کند؛ زیرا با دانش آموزان اخت عجیبی گرفته است. یک سینی بزرگ پر از جامدادی، مداد و لوازم تحریر در دست هایش است. او درباره رسم نانوشت هر ساله معلم ها در این روز می گوید: هر کدام از معلم ها که تمایل داشته باشند با هزینه خودشان هدایایی را تهیه کرده و به دانش آموزان کلاس خودشان تقدیم



تشکل ها و فعالان اجتماعی محلات ما برای هم افزایی در طرح «شما» شرکت کردند

۵ کارگروهی تا حصول نتیجه

عیدگاه

● کار روی یک پروژه تا انجام آن

رضا داورخواه، مدیر دفتر تسهیلگری و بافت فرسوده منطقه ۵ شهری، میزبان این جلسه است. او درباره طرح «شما» می گوید: این طرح با هدف مشارکت گرفتن از تشکل های فعال سطح منطقه در امور اجتماعی فعالیت می کند. هدف این است که تشکل های فعال شناسایی شوند و آموزش هایی در راستای توانمندسازی بیشتر ارائه شود.

مدیر دفتر تسهیلگری منطقه ۵ درباره سرفصل های این طرح توضیح می دهد: سرفصل های طرح شما در حوزه آسیب شناسی و اولویت بندی آن ها در محلات است. در گام های بعدی، ظرفیت شناسی اجتماعی، فرهنگی و کالبدی محلات و در ادامه هم افزایی و کارگروهی تشکل ها، پروژه نویسی اجرایی و در مرحله نهایی، اجرای پروژه با همکاری شهرداری انجام خواهد شد. در این مرحله از تشکل های یک محله می خواهیم همگی با هم روی یک پروژه تا حصول نتیجه نهایی کار کنند.

و هم افزا داشته باشیم تا باز خورد عملیاتی و کلی در سطح محله داشته باشد. به عنوان مثال سخنران در مساجد محله داریم، اما هر کدام به یک موضوع متفاوت اشاره می کنند و بعضاً سخنران اصلا از وضعیت اجتماعی و فرهنگی محله شناختی ندارد.

● ضرورت اجرایی شدن طرح ها

معصومه ازدری، نماینده خانه داوطلب هلال احمر شهید آوینی گلشهر، بر ضرورت اجرایی شدن طرح نهایی تأکید می کند و می گوید: درست است که ریشه یابی مسائل محله اهمیت دارد، اما مهم تر از آن، پیگیری و اجرای طرح های پیشنهادی برای حل کردن مشکلات است. جواد کاوسی، کارشناس روابط عمومی مهدیه مهرآباد، به نمایندگی از این تشکل در جلسه حاضر است و می گوید: اینجا کارگاه آموزشی مفیدی در حال برگزاری است که در پیدا کردن ریشه ای مشکلات محله و مسیر یابی کمک می کند، اما باید این جلسات و نکات حتماً به مرحله عملیاتی برسد.

کاوسی جمع شدن تشکل ها در این دست برنامه ها را تسهیلگر هم افزایی و کارگروهی می داند. اما باور دارد که باید این اقدامات مستمر صورت بگیرد و اجرایی شود تا فایده داشته باشد. او همچنین می گوید: یک نفر باید نماینده و تسهیلگر بین تشکل ها و سازمان ها به ویژه شهرداری باشد و به فکر حل کردن معضلات مشترک باشیم، نه مشکلات موردی.

عطائی پنجشنبه گذشته، تشکل های محله جلالیه، مهمان کتابخانه شهید مفتاح در بوستان وحدت بودند تا در اولین جلسه آموزشی و هم افزایی طرح «شما» شرکت کنند؛ طرحی که قرار است به مسئله شناسی، ایده پردازی و اشتراک گذاری تجارب موفق تشکل های محلات بپردازد. این طرح از سوی سازمان فرهنگی شهرداری مشهد ابلاغ شده و با همکاری دفتر تسهیلگری منطقه ۵ در حال اجراست. اولین جلسه آن با مشارکت حدود بیست تشکل از یازده محله منطقه برگزار شد.

● پرهیز از رفتار جزیره ای

صندلی های تالار مطالعه کتابخانه شهید مفتاح کاملاً پر شده است و مدرس طرح به بیان نکات آموزشی می پردازد. دورتادور میز، چهره های آشنای فعالیت های اجتماعی و فرهنگی محلات به چشم می خورند. طیبه زینعلیان، نماینده مسجد حضرت ابوالفضل (ع) محله مهدی آباد، یکی از همین مدعوین است. او جلسه را مفید ارزیابی می کند و می گوید: نکاتی که مدرس جلسه بیان می کند، باعث افزایش آگاهی فعالان اجتماعی می شود. به نظر من، آسیب ها، رفتار جزیره ای تشکل ها در محلات است. هر مسجد و تشکل تنها برای خودش و در محدوده ای کوچک برای مخاطبان خودش برنامه دارد.

از نظر زینعلیان پرهیز تشکل ها از کار مشارکتی باعث می شود اثر بخشی کمی صورت بگیرد. او می گوید: ضروری است که برنامه هایی منسجم

چهنو، مصلی، کارمندان اول، کارمندان دوم، شهید آقامصطفی خمینی، شیرین، امیرآباد، شهید معقول، کشاورز، پورسینا، اروند، انصار، شهید باهنر، شهید بسکابادی، شهید شیرودی، شهیدرستمی، کوی ۲۲ بهمن، کنه‌یست، شهیدرجایی

محلات منطقه‌ها

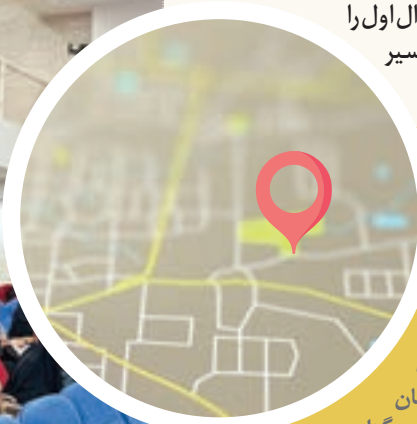
مهدی‌آباد، رضائیه، سجادیه، حسین‌آباد، مهرآباد، امیرالمؤمنین(ع)، نیزه، شهید آوینی، ثامن، کوی سلمان، جلالیه



○ سحر دانشورمقدم، از ۹ سال پیش، کاراته را شروع کرد و حالا حساب تعداد مدال‌هایش را ندارد. با این حال، مهم‌ترینش را خوب به یاد دارد؛ مدال طلای مسابقات اوراسیایی ترکیه. سحر می‌گوید ورودش به دنیای کاراته تصادفی بوده است. خاله‌اش کاراته‌کار بوده و او فقط برای تماشا همراهش رفته، اما همان روز جرقه این علاقه در دلش روشن شده است.



○ مریم حسینی، متولد ۱۳۹۳ و ساکن شهرک شهید باهنر است. تازه یک سال می‌شود کاراته را شروع کرده است. اما تمرین در همین مدت کوتاه برایش سرشار از تجربه بوده است. او توانسته در مسابقات قهرمانی استان، در سبک جوکای دو کاراته، مدال اول را به دست آورد و حالا خودش را در ابتدای این مسیر می‌داند. او دلش می‌خواهد در آینده مربی شود.



آیین قدردانی از ورزشکاران موفق منطقه ۶
در فرهنگ سرای نصرت برگزار شد

قهرمانانی از همین حوالی

نیکو عقیده سالن اجتماعات فرهنگ سرای نصرت پر از رفت و آمد است. حدود صد ورزشکار موفق کودک و نوجوان از منطقه ۶ مشهد به همراه خانواده‌هایشان آمده‌اند تا در آیینی شرکت کنند که برای قدردانی از تلاش‌ها و موفقیتشان برگزار شده است؛ از آن‌هایی که تازه اول راه اندوکی دو مدال دارند، تا آن‌هایی که سال‌هاست در مسیر ورزش قدم برمی‌دارند. این مراسم به همت کانون‌های محله امام رضا(ع) برگزار می‌شود؛ کانونی که با کنار هم آوردن مساجد و گروه‌های محلی توانسته است نخبه‌های موفق را شناسایی کند و تصویر روشنی از استعدادهای منطقه بسازد.



○ نیمی از جمعیت سالن را والدینی تشکیل می‌دهند که با غرور و لبخند کنار فرزندانشان نشسته‌اند. یکی از آن‌ها طیبیه محمودی است که همراه دخترش، زهرا جمعه‌پور، ورزشکار رشته کاراته به اینجا آمده است. دختری با انرژی که مدال طلای کشوری دارد و حالا قرار است در این مراسم از او قدردانی شود. طیبیه از دیدن پیشرفت دخترش خوشحال است و باور دارد این برنامه‌ها به بچه‌ها انگیزه تازه‌ای می‌دهد تا با دلگرمی بیشتری ادامه بدهند.



عکس: نیکو عقیده/شهرآرا

○ سید ابوالفضل آقا، کوچک‌ترین شرکت‌کننده مراسم است که همراه مادرش به فرهنگ سرا آمده. یکی از اعجوبه‌های کوچک منطقه ۶، متولد ۱۳۹۶ و حالا صاحب پنج مدال طلای کشوری در رشته کاراته. با اینکه سنش هنوز کم است، تمرین‌هایش جدی و منظم‌اند. وقتی از آینده‌اش می‌پرسیم با اعتماد به نفس می‌گوید: «می‌خواهم قهرمان شوم».